

# دائرة المعارف سلسلة عقايد

www.kotab.ir

|                      |                                                  |
|----------------------|--------------------------------------------------|
| سرشناسه              | فروغی، امان الله، ۱۳۲۵ -                         |
| عنوان و نام پدید آور | : دایرة المعارف سلسله ی عقاید / امان الله فروغی. |
| مشخصات نشر           | : قزوین: بحر العلوم، ۱۳۸۷.                       |
| مشخصات ظاهری         | : ۲۷۷ ص.                                         |
| شابک                 | : 978-964-7085-60-5                              |
| وضعیت فهرست نویسی    | : فیبا                                           |
| موضوع                | : اسلام -- عقاید -- دایرة المعارف ها.            |
| رده بندی کنگره       | : ۱۳۸۷ د ۲۳۳ ف ۲/ ۲۰۰ BP                         |
| رده بندی دیویی       | : ۲۹۷/۴۱                                         |
| شماره کتابشناسی ملی  | : ۱۶۳۴۷۰۹                                        |

انتشارات بحر العلوم - قزوین، میدان عارف، پارک ملت، پلاک ۱۳، ۳۳۴۲۹۲۲

نام کتاب: دایرة المعارف سلسله ی عقاید  
نویسنده و مؤلف: امان الله فروغی  
چاپ اول: زمستان ۱۳۸۸  
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۸۵-۶۰-۵  
قیمت: ۳۰۰۰ تومان  
ناشر همکار: نشر مهندس

## آغاز سخن

مقدمه آخرین جلد کتاب دایرة المعارف سلسله عقاید و شرح آن چه در قبل آمد ستایش و سپاس بیکران مخصوص خداوند متعال است که هستی را آفرید و انس و جن را قدرت دید بهتر بخشید تا معرفت حاصل نمایند و حضرت او را عبادت کنند، و درود بی پایان بر طبیبان راستین عالم انسانی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و جانشینان بر حقش دوازده امام معصوم که پیشوایان واقعی مکتب یکتا پرستی اسلام عزیز هستند.

گویم سپاس بیش بر خالق خویش      بر حضرت حق در همه دم روی همیش  
بر شاه رسول و آل اطهار درود      هر کس بجز این بود مدام است پریش

هر کدام از این پیشوایان معصوم راستین در مقطع زمانی خویش خورشیدهای تابانی بودند که دست انسان ناتوان را گرفته به سوی جوار حقیقت رهنمون گشتند، اما این که شعاع گرم و نورانی دین مبین اسلام ناب محمدی سرتاسر کوره ی خاکی را تحت پوشش قرار نداد و در بسیار موارد دین از محتوی و معنی تهی گردید و تفرقه های ویرانگر جایگزین اتحاد و همبستگی گردید، علت آن بود که

شامل شناخت کامل:

ملک، جن و شیطان

روح، اختصار و مرگ

برزخ، اجساد سالم و براهین مسائل

ثواب زیارت و دعا بر اموات

تحول عظیم و محشر کبری

حساب و کتاب و شفاعت

بهشت، دوزخ و اعراف

امان الله فروغی

هوا و هوس‌ها و انحصارطلبی در طماعان برای حاکمیت در اول قد برافراشت. جانشینان برحق رسول الله ﷺ در اثر کوتاه اندیشی و جهل عامه کنار زده شدند و در نتیجه آب از سرجوار آن گونه گل آلوده گردید که بوی مشمئز نفاق و خود غرضی و ساز مذهب و مرام تراشی‌ها مسلمین را بر باد فنا داد و در مجموع بشریت را بر خاک و خون کشید و بیچاره نمود.

دست‌یابی به کمال مطلوب انسانی دست‌خوش آشوب‌های تند زمان گردید، ارایه طرق الهی‌گون حیات‌بخش و سعادت آفرین پیشوایان معصوم دلسوز با تیغ بران اسلام پناهان قدرت و تجمل پرست اموی و عباسی طی هفتصد سال طویل قلع و قمع گردید و فریاد خاموش زیبایی‌ها و کمالات وجودی انسان اشرف مخلوقات در لابلای عرصه‌ی زمان‌ها ناپودگشت تا آنجا که جُفدان شوم بدشگون بر ویرانه‌های ناله‌های زار دندان نما داشتند و اهریمنان طاغوت منش با دربارهای فرعونى بر تن‌های نجس و لجن‌شان تپای اسلام پناهی دوختند.

|                               |                             |
|-------------------------------|-----------------------------|
| عدالت کشته با شمشیر کین بود   | نوای ناله با غم همنشین بود  |
| بدا گلشن نه گلخن این زمین بود | سلیمانی نگین بر دیو و دد شد |

در نتیجه آنچه باقی ماند مادیت ویرانگر بود و اعتقادات ضعیف و پریش پرت از مرحله نسبت به مقدسات و عالم عقبی در چوکات و قالب مذاهب بسیار در میان مسلمانان.

حال آن‌که باید اسلام فاقد زدوبند و سنگر بندی‌های افراطی می‌بود، اسلامی مملو از زیبایی‌ها و توانمندی‌ها تمام جوامع بشری را تحت پوشش قرار می‌داد، اسلام جدا از جهل و خرافات و برداشت‌های غلط مملو از صفات ناپسند، اسلامی مالا مال از گوهرهای ناب معارف قرآنی باید چهره‌ی زیبای توانمند

خودش را از پشت ابرهای تیره‌ی غفلت و بی‌خبری و میراث پرستی‌های شوم در محضر دید عام قرار می‌داد و در مجموع انسان‌ها با اعتقاد محکم بر معاد که حقیقت وجود بهشت و دوزخ آن بلا تردید است عرصه‌دار میدان هستی می‌گشتند، همه برادر و خواهروار در کمال صلح و آرام با هم می‌زیستند آن‌گاه در می‌یافتند طعم شیرین و گوارای زندگانی در زیر لوای پر فراز اسلام ناب محمدی را.

هوس تیغ جفا افراشت پیهم      نشد فارغ ز غم‌ها خلق عالم  
بشر در بی‌متاعی کشته گردید      به عقبی چیست اکثر را فراهم

در مجلدات قبل از ابتدا به ذات و صفات خداوند آشنا گشتیم، دیدیم خلقت چگونه و از کجا آغاز یافت و سپس وارد تاریخ زندگانی آدم ابوالبشر و فرزندانش شدیم، زندگانی منور هر یک از پیامبران الهی را ورق زدیم. فراز و نشیب‌های اقوام بشری را دیدیم که بعضاً در اثر نافرمانی و طغیان فسادها بر خاک مذلت افتادند و قلیلی هم تکامل باشکوه داشتند.

در مرحله‌ی بعدی و پس از طلوع خورشید دین مبین اسلام که خداوند حکیم به آن وسیله ختم دوران جاهلیت را اعلام فرمود، دیدیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله طی دوران حیات منورش در راه اعتلا و گسترش دین مبین اسلام بسیار رنج‌ها و زحمت‌ها را متقبل گردید.

طی هشتاد و سه غزوه و سربزه که در هشتاد و دوی آن پیروزی به لطف و عنایت پروردگار نصیب آن حضرت و یارانش بود، تا کجا به مشکلات و سختی‌ها مواجه گردید.

آن حضرت چار چوکات و اسکلتی مهیا فرمود و پرکاری و نظم و ترتیب بخشی

آن را بر عهده‌ی جانشینان معصومش که یکی بعد دیگر همه از خاندان و فرزندان خود او بودند، و انهاد و از دنیا رحلت نمود.

ولی واحسرت پس از آن حضرت آنچه باید صورت تحقق به خود می‌پذیرفت و اسلام ناب محمدی با زیبایی و لطافت بهاران که همان بینش پر مفهوم و رسا و توانای الهی باشد عرصه دار میدان می‌گشت، هرگز چنان نشد. جو فشار و رعب و وحشت بر علیه خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله چهره‌ی زشت کربه توسط قدرت مندان طماع بکشد.

طبقه‌ی حاکم برنامه‌ی تحریف حقایق را در پشت نقاب اسلام روی کار گرفتند. در اولین قدم باغ فکر حق حضرت فاطمه علیها السلام غصب گردید و به تعقیب خودش آن‌گونه جام شهادت نوشید که در وقت رحلت فرمود این غاصبان حقوق شوهرم و من و فرزندانم که مرا به جفا کشند هرگز نباید با تظاهر به دیدنم بیایند، هیچ‌گاه نباید بر جنازه‌ام نماز بخوانند و قبر و محل مدفنم نیز از دید مردم زمان بیش‌تر به جاهلیت ره یافته مخفی باشد.

صدق ادعا، کجاست قبر حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام بانوی بزرگ اسلام.

چمن خونین ز دست ناکسان شد      فضا بی عطر و بو ابتر از آن شد  
 بشد زهرا شهید قبرش نهان شد      هزار حسرت که خوابان بی نشان شد

پایه‌های اعتقاد مردم از همانجا بر انحرافات و بیهودگی‌ها نهاده شد، تشخیص راه مستقیم به خصوص پس از خانه نشین شدن علی علیه السلام در معرض اضمحلال و نابودی قرار گرفت و عده‌ای اندکی مطابق به حکم خداوند در قرآن کریمش و تأکید بار بار رسول الله صلی الله علیه و آله بر محور اهل بیت عصمت و طهارت باقی ماندند.

جو نامطلوب حاکم ظالمانه به حبس و آزار عاملین نشر معارف راستین دینی دست نارسا دراز نمود، علی علیه السلام بیست و پنج سال تمام در کنج خانه نشست و می دید مسلمین از حقایق دین شان فاصله می گیرند، خیانت ها و ضلالت ها چنان رونما است که رانده شده ای رسول خدا صلی الله علیه و آله همان دشمنان دیرین دین حق با تظاهر به اسلام حکومت ها را در قبضه می گیرند و ابوذر را با دنده های خورده شده به جرم حقگویی به بیابان های بی آب و علف ریزه ها تبعید می کردند.

عثمان اموالی را بی حساب به فامیل و دوستان و خویش و اقوام گوسفندانش می بخشید و همین تبعیض ها و نابرابری ها است که باعث کشته شدنش به دست مردم ناراضی می گردد.

علی مرتضی علیه السلام پس از ۲۵ سال خانه نشینی عاقبت در اثر فشار فکری اجتماعی خلافت الهی را که حق مسلم آن حضرت بود به دست گرفت ولی جو سیاه جهل و ظلمت خود غرضی چنان بر اجتماع حاکم شده و بدعت ها و خواسته های شوم عرصه دار میدان گشته بود که شوق رسیدن به کرسی خلافت رسول الله صلی الله علیه و آله در دماغ هر بوالهوسی خانه نهاد و هوس های شوم ویرانگر شیطانی جای تبعیت و پیروی از اولی الامر خداوند را گرفته بود، آن گونه که هم زمان با به قدرت رسیدن امیرالمؤمنین علی علیه السلام علم مخالفت بر افرازی ها شروع گردید. امام والاگهری که باید وقت شریف عزیزش صرف بهبود امور و ترتیب و تنظیم امور اجتماعی در مسیر پیشرفت دین مبین اسلام عزیزی که در حال گسترش بود می شد، مجبور گشت به صف آرایی در برابر علم مخالف برافراشتگان پردازد. در جنگ جمل، جنگ صفین و جنگ نهروان بیش تر از صد و پنجاه هزار نفر به قتل رسیدند ولی هیچ کس جواب این سؤال را نیافت که گناه این خون های ریخته شده به ناحق بر گردن چه کسانی است؟!

جانی‌ترین و پلیدترین انسان‌ها به غرض گرفتن انتقام کشتگان جنگ بدر و خندق و هشتاد و دو غزوه و سریه که در همه علی علیه السلام در پیشاپیش شمشیر می‌زد، کمر ناهمتی بستند و طماعان جاهل و عامه‌ی کودن را به دنبال خود کشیدند. در مجلدات قبل این نوشتار دیدیم امیرالمؤمنین علی علیه السلام ولی برحق در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان بر فرق همایون مبارکش در محراب عبادت شمشیر خورد و در شب بیست و یکم جام شهادت نوشید.

میسر نگردد به کس این سعادت به کعبه تولد به مسجد شهادت

پس از شهادت آن حضرت دشمن شیطان صفت مکار خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت و اسلام فرزندان ابوسفیان معاویه افسار گسیخت. اول امام حسن علیه السلام جانشین علی مرتضی علیه السلام را طی ده بار زهر خوراندن به شهادت رسانید.

سنگ نه‌داب کجی که در سقیفه‌ی بنی ساعده نهاده شد دیوارش از آن روز تا به امروز کج بالا رفت، اسلام سرزمین‌ها را یکی بعد دیگری فتح می‌نمود ولی اسلام قیصری و کسرابی، اسلامی فارغ و به‌دور از فرهنگ اسلام ناب محمدی، اسلامی که گردانندگان پلیدترین انسان‌های جانی بودند.

اسلامی مملو از جو ظلمانی و خیانت‌ها و ضلالت‌ها که حاکمانش ویرانگری و بیداد را بر ایده و مرام داشتند و برای بقای شوم خودشان بر اریکه قدرت از هیچ ظلم و جنایتی روی گردان نبودند، اسلامی که حق زیر سؤال رفته و عدالت روی دار بود، اسلامی که غاصبان طاغوت بر بلندایش تکیه زده بودند.

تعدی و تجاوز بر مال و نوامیس مردم کشتن بی‌گناهان از اساسی‌ترین کارها در نزدشان محسوب می‌گشت اسلامی که مردم عوام را به تارخام نصیب و قسمتش

بسته می‌گفتند خداوند ما را بر شما حاکم قرار داده است باید بر ظلم‌ها و اختناق و کشتارها و غارت‌های ما صبر کنید، و دیدیم که معاویه پس از خودش برای فرزند شراب‌خوار میمون بازش یزید پلید از مردم کودن زمان به عنوان جانشین پیغمبر بیعت گرفت و از اولین اقدامات او قتل عام خاندان پیغمبر که از زیر تیغ پدرش معاویه جان به سلامت برده بودند، در کربلا بود.

او پس از کشتار امام معصوم اباعبدالله الحسین علیه السلام و خانواده‌اش در کربلا مردم مدینه را قتل عام و غارت نمود و خانه کعبه را به منجنیق بست و آنگاه مقرض اجل طناب سیاه عمرش را کوتاه نمود. او در عتفوان جوانی به جهنم واصل گشت.

دیدیم پس از یزید باز هم گمراهان قدرت و تجمل پرست پند و عبرت نگرفتند، تیغ شیاطین انسی در حق نیکان و پاکان فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله و پیروان‌شان برآتر گردید و حجاج‌ها روی کار آمدند که آن‌ها را از زیر تخته سنگ‌ها بیرون آورده و یا به زندان می‌افکندند و یا سر می‌بریدند.

هفتاد و یک سال بر روی یک‌صد هزار منبر اسلامی اول خطبه را خطیبان ناخطیب طماع با سب و لعن بر علی علیه السلام شروع می‌نمودند که حکم دشمن خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام معاویه فرزند هند جگرخوار و ابوسفیان چنین بود.

به‌دست ناکسان تیغ ستم بود      جفا از مشرکان تا دم به دم بود  
بقایای جهالت بر سر کار      نکویان کشته در زندان به غم بود

دیگر اسلام آن مکتب پر بار پر مفهوم معنوی نبود، پیشوایانش انسان‌های با عدل و اعتدال نبودند تبعیض و ظلم و استبداد بیداد می‌کرد، هر چه از زمان رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گذشت فاصله مردم از مزایای دین، از واقعیت‌ها، از عدالت

اجتماعی بیش‌تر می‌شد، خطوط کلی معیارها و اصول بر منوال ظلمت پسندی می‌چرخید، تعادل سیاسی، اقتصادی و امنیتی وجود نداشت، حکومت داران بر طبق دستورات مکتب قرآن حرکت نمی‌کردند و در مواردی هم خود قرآن را آماج تیر از دور قرار می‌دادند، عقیده‌ی انسان‌ها را بر معاد و کيفر و پاداش روز جزا تا پایین سطح ممکن تنزل داده می‌گفتند کافی است فقط عقیده درست باشد عمل هر چه باشد فرقی نمی‌کند.

حکومت‌ها نظام نداشت، در حکومت‌داری اموی و عباسی عدالت و تقوی بیچاره و غریب بودند و والیان و حکام‌شان از افراد جانی و غیر اسلام برای از میان برداشتن امامان معصوم جانشین پیغمبر ﷺ و پیروان آن‌ها مقرر می‌گشتند.

عدالت کشته بد دون ستمگر  
تجمل می‌پرستید شوم بی بر  
بیا کفش ستم کرد نامسلمان  
عجب اسلام که رهبر بود کافر

در مجلدات قبل سرگذشت زندگانی منور هریک از ائمه اطهار علیهم‌السلام را مو به مو شکافته به پیش آمدیم و دیدیم امام چهارم علی بن الحسین علیهم‌السلام چگونه در مدینه تحت نظارت اوباشان قرار داشت و همه عمر از کشتار و حشیانه‌ی پدر ارجمند و دیگر اعضای خانواده‌اش به توسط مزدوران بنی امیه اشک می‌ریخت و سوز دل‌ها و دیدگاه‌هایش را در قالب دعاها به شکل کتابی تدوین فرمود که به زبور آل محمد معروف و مسمی گردید و اکنون به نام صحیفه‌ی سجادیه در محضر دید تمام علما و دانشمندان عالم قرار دارد.

باز دیدیم با استفاده از فرصت فروپاشی حکومت مردود اموی و بروز جنگ‌ها میان عباسیان و آن‌ها، امام محمد باقر علیهم‌السلام پنجمین پیشوای برحق معصوم درب دانشگاه بزرگ اسلام ناب محمدی را در مدینه گشود، و پس از آن حضرت این

ایده‌ی مقدس توسط فرزند برومندش امام جعفر صادق علیه السلام به سوی اوج تکامل برده شد و با وجود همه قید و بست‌ها شناخت واقعی خداوند را بر انسان‌ها در رأس کار قرار داد و عوامل انحراف را بر جامعه شناسانید، راه نضج اسلام ناب محمدی و گسترش عدالت الهی را بر انسان ارایه طریق فرمود و در نهایت آن حضرت قیام پر ارج و دشواری را در برابر طاغوتیان جاهل به حقایق شروع فرمود که تا شهادت به پیش رفت.

حدیث روی خوب او چنان است      بگویم هر چه یک قطره ز آن است  
امام صادق است پیشوای معصوم      شرر بر او ز طاغوت زمان است

دیدیم زندگانی فرزند برومند و جانشین برخش هفتمین پیشوای معصوم امام موسی بن جعفر علیه السلام را که مظهر مقاومت و ایستادگی در برابر طاغوت زمانش هارون پلید است، در راه احیای حق و عدالت و از میان برداشتن استبداد طبقاتی و شناساندن اصل امامت مقاومت بی مانند با صبر جمیل فرمود و سخت‌ترین زندان‌ها را تحمل نمود تا جامعه کورکورانه تسبیح و پیروی از مستبدین خودکامه را واگذارند و فرق امام نار و امام نور را بشناسند.

در حساس‌ترین دوران سیاسی تاریخ اسلام حیاتی‌ترین گام‌ها را در راه احیا رشد فکر انسان‌ها برداشت تا عقاید باطل و افکار پلید بی محتوا را واگذارند، از اعمال زشت و ناروا که پیروی از طاغوتیان زمان به خاطر متاع قلیل دنیا است دست بردارند و بدانند دنیا محل آزمون و گذرگاه است نه هدف، و بدانند امامت و رهبری جامعه هم‌چون خون در رگ‌ها و روح در جان‌ها می‌باشد؛ زیرا این رهبر جامعه است که مردم را دست گرفته به سوی بهشت دنیا و عقبی می‌برد و یا بر خلاف به دور از حقایق به جانب دوزخ سوق و سوی می‌دهد، و بدانند رهبری

فاسدان مغرض ناجایز و ناروا است که مهلک و ویرانگر می‌باشد؛ زیرا موجب انحطاط و نابودی انسان‌ها می‌گردد؛ چون همه را به سوی پستی‌ها و زشتی‌ها سوق و سوء می‌دهد عقیده را نادرست می‌نماید و به سوی شیطان فرا می‌خواند و به همین دلیل موجه می‌باشد که خداوند پیشوایان را معصوم و مبرا از گنه خلق فرموده و رهبر جوامع انسانی قرار داده است.

امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام به جامعه عملاً نشان داد دنیا را هدف داشتن بر بادی است و دنبال رهبران خودخواه طماع رفتن باعث لغزش و خطاها و انحراف‌های فکری عملی می‌باشد.

پس از آن حضرت زندگانی منور هشتمین پیشوای معصوم امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام را دیدیم که آن دست منور خداوند و رهبر معصوم را مأمون فرزند هارون چگونه با جبر و اکراه به ولایت عهدی خود برگزید و از مدینه به خراسان برد، شخصیت والا گهری که دهمین ستاره‌ی تابناک آسمان عصمت و طهارت است.

امام بزرگواری که هم اکنون همه روزه زوار میلیون‌ها دارد و قبله‌ی حاجات اهل درد و گرفتاری است؛ چون امام بر حق است و نزد پروردگار بسیار صاحب عزت و آبرو می‌باشد. در نوشتار قبل با قلم روان دیدیم زندگانی منور امام هشتم علیه السلام را که الهام بخش سودمند فرا راه زندگی است، شیوه‌ی موضع‌گیری آن حضرت در برابر طاغوتیان، بیان علم و حکمت و دانش بی‌کرانش همه و همه پرتوی از زیبایی‌ها برای انسان واقع بین می‌باشد، همان‌ها که می‌دانند رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده: «مرگ بدون شناخت امام، مرگ جاهلیت است» حضرت او را الگو و نمونه‌ی خداخواهی قرار می‌دهند پا جای پای حضرتش می‌گذارند و عمل را مقلد او هستند.

در مکتب دین ره‌ی نکویان بگزین      هشیار بمان به درد درمان بگزین  
 ائمه دین شناس با دید درست      در پیروی‌اش بمان و ایمان بگزین

در مجلدات قبل بر این دیدیم پس از امام هشتم علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرزند نکو خصالش امام محمد تقی الجواد علیه السلام نهمین پیشوای معصوم بر حق در سن شریف هفت سالگی به مقام امامت و پیشوایی از جانب حق برگزیده شد؛ زیرا که حضرت او صاحب علم لدنی است و اعلم بر همه گردید.

حجت و نمایندگی خداوند در روی زمین در عصر و زمان خودش تنها حضرت او امام است بود. حقیقتی که نیاز مطلق به وجود او می‌باشد؛ چون مصداق انسان‌های نمونه و راستین امام معصوم است. یازدهمین گوهر عصمت و طهارت که وجود شریفش مملو از علم و معرفت و عرفان و پاکی است، پر برکت در تمام ابعاد و مایه‌ی خیر و برکت و جود و همت می‌باشد.

امام پاک و معصوم پیشوا است      وجودش مظهر لطف خدا است  
 جواد ابن علی امام نهم      بزرگ و والی است و مقتدا است

دیدیم دوران امامت امام جواد علیه السلام با دو طاعوت مأمون هفتمین و معتمد هشتمین خلفای عباسی مصادف گردید، حضرتش در برابر آنها هم‌چون پدر بزرگوارش موضع‌گیری فرمود و توطئه‌ها و حرکات شیطانی‌شان را در معرض دید جامعه قرار داد و با نکوترین وجه ممکن به بازسازی فقه و فرهنگ تشیع پرداخت، از آزادی نسبی مسیرگشته مثبت‌ترین گام‌ها را به نفع خط فکری پیروان خاندان رسالت برداشت، ولی و اسف وجود شریفش برای چنان طاعوتیان گمراه غیرقابل تحمل بود و هرگز قبول این حقیقت نمی‌کردند که امام بر حق

معصوم در حکومت ننگین‌شان وجود داشته باشد و دست جامعه‌ی به خسران افتاده را گرفته به سوی سر جوار حقایق آن‌چه که مورد رضای خداوند است رهنمون گردد.

دیدیم قیام‌های علویان یکی بعد دیگری بر ضد حکومت شوم و ننگین عباسی در عصر آن حضرت به وقوع پیوست، قیام حسین بن علی شهید فخر و یارانش که همه از بهترین سادات علوی بودند، حقیقتی است که کم‌تر از واقعه‌ی عاشورا در تاریخ بشری نمی‌باشد، قتلگامی بزرگ برای کشتن و از میان برداشتن فرزندان و جانشینان رسول الله ﷺ در منطقه‌ای به نام فخر درست کردند که هر صاحب بصیرتی را به حزن و اندوه وامی‌دارد، و دیدیم آن دیو اهریمن معتصم عباسی امام جواد علیه السلام را چگونه با طرح‌های مرموز شیطانی در حلقه تنگاتنگ محاصره قرار داد و در نهایت معتصم با جعفر پسر مأمون و ام‌الفضل دختر مأمون همسر امام جواد علیه السلام در راه از میان برداشتن آن وجود شریف همدست شدند و به وسیله‌ی زهر قتال آن حضرت را در عنقوان جوانی در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسانیدند.

دستهای مرموز قدرت و تجمل‌گرایی دون نوگل وجود منورشان را که فریادی بر ضد ظلم و استبداد بود پرپر کردند، و دیدیم حضرت او است که درس بزرگ شهادت‌طلبی را بر پیروانش در برابر طاغوتیان مستکبر آموخت تا انسان‌های آزاده تسلیم زور و تزویر نشوند، تا در راه مکتب پربرار و منور علی مرتضی علیه السلام زنده و پرچم پرفرازش برافراشته باشد.

|                             |                           |
|-----------------------------|---------------------------|
| دریغا حسرتا دونی فزون شد    | عدالت رفت شرافت سرنگون شد |
| امامان را بکشت دونان بی دین | درستی‌ها مدامی غرق خون شد |

پس از امام جواد علیه السلام با شرح نکو دیدیم امام هادی علیه السلام دهمین اختر تابناک آسمان امامت، دوازدهمین گوهر دریای عصمت و طهارت پس از پدر والاگهرش امام نهم جانشین آن حضرت گردید، در عصر تیره و طاغوتی عباسی به خوبی توانست خط فکری مکتب تشیع را رهبری نماید و اسلام راستین ناب محمدی را در فرهنگ گسترده‌ی آن متجلی گرداند.

|                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| علی هادی لقب سرخیل خوبان | ولی و پیشوا در کشور جان    |
| عزیز مصطفی فرزند زهرا    | علی را جانشین در ملک امکان |

دهمین پیشوای معصوم بر حق امام هادی علیه السلام در ذی حجه‌ی سال ۲۱۲ به مقام امامت رسید، و حدود ۳۳ سال امامت نمود و در طول این مدت با نه خلیفه طاغوتی هم‌زمان گردید، از جمله معتصم از سال ۲۲۰ تا ۲۲۷ حدود هفت سال حضرتش در تحت سخت‌ترین شرایط وظیفه‌ی شرعی پیشوایی از جانب حق را در زمان او پیش برد؛ زیرا از نظر جهان بینی الهی پیشوایان معصوم به خاطر اهداف بلند معنوی و مادی برگزیده می‌شوند و چنان تربیت خاص می‌یابند که لیاقت در راه بر پایی ارزش‌ها و کمالات انسانی را کمائی می‌کنند و دلایل استوار هم‌چون معجزات و کرامات را در نشانه‌های پیشوایی خود می‌داشته باشند.

دیدیم در زمان امام هادی علیه السلام بنابر خواست خلفای جور هم به خاطر بقای شوم و رذیلانه‌ی خودشان و هم بنابر دلیل تلاقی فرهنگ‌ها که اسلام گسترش می‌یافت مکتب‌های مختلفی به وجود آمد.

هر قشری می‌کوشیدند آرا و عقاید کمرنگ گوناگون را موجه جلو داده در برابر مکتب تشیع صف آرایی بنمایند، ولی امام هادی علیه السلام در راه ارزش‌های والای اسلام راستین با مکتب‌ها و گروه‌های ایجاد کرده‌ی خلفای عباسی به مبارزه

برخواست و با تلاش‌های بی‌امان خویش سران گروهک‌های قد برافراشته را منکوب نمود و بر سر جای خودشان نشانید. ولی در همه حال و در همه جا حضرتش تحت نظر شدید طاغوتیان قرار داشت.

هر چند خلفای عباسی که قدرت‌های پوشالی را در اختیار داشتند و نیز مکاتب و مذاهب گشودگان همه اعتراف به مقام والا و علم و کمال امام هادی علیه السلام می‌کردند و در برابر شکوه و عظمت آن حضرت خاضع و خاشع بودند ولی خلفای حامی قدرت هیچ‌گاه از عداوت و بدبینی نسبت به امام علیه السلام و پیروانش دست بر نمی‌داشتند و هر چند که می‌دانستند آن حضرت صاحب مقام عصمت و طهارت و پیشوای راستین است و شیوه و رفتارش در ابعاد مختلف همه درس‌های سازنده و بزرگ برای خردمندان می‌باشد و سعادت‌ها و کرامت‌ها در پیروی از حضرت او قرار دارد ولی گویی خصومت و عداوت با پیشوایان راستین در خون رگ‌های شان عجین شده بود.

خلاصه در بخش زندگانی منور امام هادی علیه السلام دیدیم سرنوشت شهادت زودرس در سوم رجب سال ۲۵۴ در سن ۴۱ سالگی به سراغ آن حضرت آمد، اثر زهری که با دسیسه‌ی معتز به امام هادی علیه السلام خورانیدند دوران حیات منورش به پایان آمد.

شهادت شیوه بر ابرار او گردید      امامان را همه هموار گردید  
بکشتند رهبران دنوان عالم      از این جا تا جهان رخسار گردید

پس از امام هادی علیه السلام دیدیم فرزند برومند معصومش امام حسن عسکری علیه السلام سیزدهمین ستاره تابناک آسمان عصمت و طهارت، یازدهمین امام معصوم پدر بزرگوار حضرت ابوالقاسم محمد (عج) آخرین منجی عالم بشری به مقام

پیشوایی برگزیده شد و دوران امامت حضرتش با خلفای جورى چون معتز، مهتدى و معتمد عباسى هم عصر گردید.

در زمان آن حضرت قیام‌های علویان بنابر دلیل سختگیری بیش از حد خلفای طاغوتی بر علیه فرزندان رسول الله ﷺ به وجود آمد همانند قیام: حسین بن محمد در کوفه، قیام احمد بن محمد بن عبدالله در مصر به توسط احمد بن طولون و قیام عیسی بن اسماعیل بر ضد رژیم ستمگر عباسی که بسیاری از نقاط کشورهای اسلامی توسط آنها اداره می‌گردید. ولی واسف پیروزی ظاهری بنا بر علل تهی شدن اسلام از درون با طاغوتیان و پیروانشان بود؛ چون خداوندان زور و زر اسلام را از درون تهی کرده بر کالبد بی رمق آن حکومت می‌کردند و سرپوش مقدس تزویر و تظاهر رمز بقای‌شان بود.

این دشمنان درونی دین و پیشوایان راستین به خاطر آن که امام عادل را از رهبری جوامع اسلامی به دور دارند همواره امام حسن عسکری علیه السلام را در زندان‌ها نگه می‌داشتند و مسلمین آن‌گونه به خواب بودند که جان‌شمن معصوم رسول الله ﷺ را از عامل فساد و تباهی فرق نمی‌کردند.

و در نهایت دیده آمدیم هیچ یک از امامان علیهم السلام همانند امام حسن عسکری علیه السلام در تحت فشار سنگین خلیفگان بوزینه صفت عباسی در زندان‌ها نبودند تا آنجا که در زندان هم جاسوسانی را مراقب آن حضرت گذاشته بودند و متقابلاً شیعیان و پیروان آل محمد ﷺ را صاحبان قدرت در هر کجا می‌یافتند سر می‌بریدند و یا به بند زندان می‌کشیدند. و دیدیم که پانزدهمین خلیفه عباسی معتمد تصمیم به شهادت امام حسن عسکری علیه السلام گرفت و به توسط دست‌های مرموزی در میان زندان آن حضرت را به شهادت رسانید و با ظاهر سازی افکار جامعه را به انحراف کشانید که شهادت زودرس امام علیهم السلام را اکثریت مرگ عادی و طبیعی قبول کردند.

شب بود دراز و خفته در خواب بشر      نیکان جهان به بند با ظلمت و شر  
مقصود بسی فقط جهان بود و هوس      بر بسته بدند ز بهر عصیان کمر

پس از رحلت رسول الله ﷺ هرگز حق به حق دار نرسید تا پیشروان اصلی جامعه‌ی بشری ائمه معصومین علیهم السلام اراده‌ی امور اسلام را بر دست‌های توانای خود می‌گرفتند، تا دامان ظلم و فسادها برچیده می‌شد و اسلام ناب محمدی عرصه داد میدان می‌گشت بلکه برخلاف هر روز رجال هدف‌مند عناصر مهم شیعه تضعیف و به انزوا کشانیده می‌شدند و رسالت جهان اسلامی فاقد ابلاغ و پیشرفت لازمه می‌گشت.

با شهادت امام حسن عسکری علیهما السلام حوزه علمیه‌ی حضرتش شکل تعطیل را به خود گرفت و انقلاب فرهنگی و تلاش‌ها به بن بست نشست، و دیده آمدیم امام علیهم السلام در مورد یگانه فرزندش حضرت امام مهدی (عج) ناگزیر به اشد پنهان کاری و راز پوشی بود؛ زیرا طاغوتیان عباسی از تمام امکانات و قدرت برای از میان برداشتن آن وجود مقدس تلاش پیگیر می‌نمودند.

حضرت مهدی (عج) یگانه فرزند امام حسن عسکری در صامرا دیده به جهان گشود، و پنج سال دوران اولیه حیات خویش را در کنار پدر گذراند و به شدت آن وجود مقدس پنهان بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ و ایمن بماند.

گرایش به معنویات و حقایق روز تا روز در اثر فشار و خواسته‌های طاغوتیان قدرت و تجمل پسند تضعیف می‌گشت و فسادها و بی بند و باری‌ها رو به گسترش می‌نهاد.

اعتقاد به وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فدا از یاد می‌رفت. حال آن‌که حضرت او یگانه بازمانده‌ی بلا تردید خداوند در میان جوامع بشری غرض اصلاح کلی از میان برداشتن نا امنی و نابسامانی و تشکیل حکومت واحد جهانی

است تا تمام افراد دنیا از قانون واحدی که حیات آفرین و سعادت بخش می باشد پیروی بنمایند.

ناکامی فزون ز دست دونان خطاست      گمراهی و جهل هر طرفی جلوه نماست  
اسلام عزیز ندارد هرگز عیبی      صد گونه خطا که بر مسلمانی ماست

مهدی موعود (عج) که خورشید ولایت است در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ ق بر زمین قدم رنجه فرمود و آسمان فضیلت و بزرگواری را منور گردانید. امام ارجمند مقتدری که منجی عالم بشری است و نقش قدم های برجسته ی حضرتش در میان تمام اقوام و ملیت های روی زمین هویدا می باشد، هر کسی مهدی موعود (عج) را به نوعی می شناسد و در همه کتاب های ادیان بزرگ جهان از غیبت طویل وجود مقدس و ظهورش و نیز از اصلاح جامعه ی بشری و برپایی حکومت واحد جهانی حضرت او به روشنی و وضوح سخن به میان آمده است.

طراح این حکومت واحد جهانی خداوند حکیم است آن گونه که گلیم تمام جرثومه های ظلم و بیداد به دستان منور و مقتدر حضرتش جمع می گردد و حکومت سعادت بخش در پرتو قوانین حیات آفرین جامعه ی بشری را تحت پوشش قرار می دهد.

دیده آمدیم و تثبیت این حقیقت گردید که حضرتش زنده و در کمال قدرت و صحت است ولی مشیت و اراده ی الهی بر این تعلق گرفته که آن وجود مقدس از نظر عامه پنهان باشد و پنهان بودن حضرت ولی عصر و زمان (عج) از نگاه مردم هرگز مسأله ی مشکل و پیچیده و خبر تازه ای نیست، بلکه در زمان های قبل از آن حضرت نیز سابقه ی بسیار دارد.

چنان چه خضر نبی که در معیت امام زمان (عج) می باشد زنده و غایب از نظر

دیگران است همچنین عیسی علیه السلام. مستندتر از همه تشرف مردمان بسیار به محضر مقدس حضرت بقیه الله الاعظم در زمان غیبت کبرا است آن گونه که تعداد شفا یافتگان و مراد و مقصد حاصل کردگان از پیشگاهش به صدها مورد می‌رسد، همه درج کتاب‌های تاریخی و روایی فراوان گردیده و حقیقت امر چنان بر این کاتب حقیر روشن و معلوم شده است که جای کوچک‌ترین شک و تردید وجود ندارد. و دیده‌امدیم حضرت امام مهدی (عج) در سن شریف پنج سالگی پس از شهادت پدر بزرگوارش امامت و رهبری مسلمین را بر عهده‌ی توانمند مقدسش گرفت و جانشین پدر ارجمندش گردید؛ زیرا پیشوایی و نمایندگی خداوند هرگز به سن و سال ارتباطی ندارد. همین گونه که بر عیسی علیه السلام در گهواره از جانب پروردگار مقام نبوت عطا گردید؛ لذا نیازی به استدلال نیست مقام عظمت روحی و فکری و قدرت علم لدنی هر یک از امامان علیهم السلام بالاتر از ساحه‌ی دید مردم عادی دنیا است که توانسته‌اند جهان اسلام را پیشوا باشند و همه را متوجه خود بسازند.

در جلد قبل این اثر دیدیم بنابر جو مغشوش و فشار بیش از حد خلفای جور عباسی امام زمان (عج) از نظرها پنهان بود ولی رابطه‌ی نزدیک با شیعیان و پیروانش را از طریق نمایندگان خاص خود که آن‌ها را نواب می‌گفتند، منظم داشت.

نایبان خاص عبارت بودند از عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد السهری که این ارتباط بنام غیبت صغری مسمی بود و مدت زمان هفتاد سال ادامه یافت. امام علیه السلام به وسیله‌ی این نمایندگان دستورات خود را بر مردم ابلاغ می‌فرمود و جواب سؤالات مردم به توسط این‌ها از حضورش صادر می‌گشت. ولی واسف در اثر جو نامساعد و عدم آمادگی فکری و هماهنگی لازم جامعه و تسلط و حاکمیت دشمنان امام

زمان (عج) که خلفای جور باشند غیبت صغری پایان پذیرفت و تحول عظیمی به وجود آمد که غیبت کبری واقع گردید و تا امروز ادامه یافت. انسان آگاه واقع بین در تب و تاب ظهور این انقلاب عظیم آسمانی لحظه شماری می نماید تا خداوند بر بشر به خسران افتاده عنایتی بفرماید و مشیتش بر ظهور حضرت منجی عالم بشری تعلق بگیرد که کره‌ی زمین خاکی از هر زمانی امروز بیش تر نیازمند این انقلاب بزرگ آمدن رهبر آسمانی است.

در شام سیه کند چو خورشید ظهور      روشن بشود زمین خاکی همه نور  
آبادی و عدل جلوه آغاز کند      گل خنده کند در همه جا جشن و سرور

اما کتاب حاضر که ادامه‌ی مجلدات قبل دایرةالمعارف سلسله‌ی عقاید است در اول به خاطر کسب معلومات بیش تر راجع به موجودات نامریی عالم هستی از قبیل: ملائک، شیاطین و جنیات که در بُعد پنهان ادامه‌ی حیات می دهند، بعضاً انوار پاک خیر و برخی شر و پلید هستند، راجع به خصوصیات وجودی و وظایف و عملکردشان سخنانی خواهیم داشت و سپس در مورد خود انسان این که تراژدی بازگشت به سوی جاودانگی چگونه آغاز می گردد، لحظه احتضار و جدایی روح شبهه مثالی از بدن جسمانی بر کدام شکل است، قابض روح کیست و آن گاه که پرده ها کنار می رود آدمی چه می بیند، آغاز زندگانی نوین چگونه شروع می شود، عالم برزخ چیست و در کجاست؟ راحتی ها و منجیات و سختی ها و مهلکات در برزخ مشمول کدام ارواح است، یعنی کافران و مشرکان در چه حال قرار می گیرند.

موحدان ادیان غیر از اسلام و نیز پیشرو فرقه های پرت از مرحله‌ی اسلامی در شروع حیات نوین دارای چه نقاط قوت و ضعف هایی هستند و پس از مرگ ارواح

مؤمنین و شهدا و اولیای خداوند کدام موقف‌ها و مقاماتی را دارند، در این موارد سخنانی خواهیم داشت.

خود را بشناس و دان جهان دگر است رفتن بود و برزخ و عقبی اثر است  
بیهوده نیامدی که معصیت پیش کنی تفوا بکنی بر تو دوصد باغ و بر است

و سپس راجع به رستاخیز بلا تردید آمدنی قلمفرسایی دقیق می‌نماییم تا جای ممکن هیچ نقطه و زاویه‌ای تاریک نماند.

قیامتی را که مشمول حال تمام موجودات عالم هستی آسمان‌ها و زمین شدنی است بهتر و خوب‌تر با تحولاتش بشناسیم. همین گونه که اعتقاد به معاد در بین تمام اقوام ملل جهان به شکلی از اشکال موجود می‌باشد؛ زیرا بر میان اقوام روی زمین قبل از اسلام پیامبرانی آمدند که ادیان بزرگ را آوردند اعتقاد به رستاخیز و وجود ثواب و عقاب در رستاخیز است که گره از مشکلات روحی و روانی انسان‌ها می‌گشاید و فضایل در پرتو معیارها و ارزش‌ها پرورش می‌یابد و اخلاق نضج و پا می‌گیرد؛ زیرا در هم اکنون فصل تکامل صفت و اقتصاد به اثبات رسیده آن جا که دینی نیست و نظام معنوی بهم خورده، اخلاق و صفات انسانی وجود ندارد و جوامع وابسته به آن به توده‌های حیوانی تبدیل شده است؛ لذا طرز دید و عقیده راجع به معنویت است که در سرنوشت انسان تأثیر بسزای مستقیم دارد.

و خواهیم دید چه بخواهیم و چه نخواهیم و چه بدانیم و یا ندانیم روح بقای روشن اظهر من الشمس دارد و پس از مرگ به صورت مجرد مستقل به حیات برزخی خودش ادامه می‌دهد و در بر پایی قیامت تن به روح متصل گشته در صحنه‌ی عرفات حضور می‌یابد و بر اساس صورت عقیده و عملکرد دنیوی به سوی بهشت و دوزخ در عقبی تعیین سرنوشت می‌گردد.

در راه یگانگی قدم نه به یقین زیرا که جهان آخرت بود روز پسین  
اسرار جهان پوشش روشن به تو است از پرده برون فتاده در مکتب دین  
و خواهیم دید در برپایی رستاخیز بزرگ که نظام این عالم عوض می گردد و پس از  
انقلاب بزرگ فراگیر همه به پیشگاه خداوند یکتا حاضر ساخته می شوند آن گاه  
سنجش اعمال انسانها در طرفه العینی به وقوع می پیوندد و جامه ی سعادت در  
رفتن به سوی بهشت بر وجود نیکان می شود و لباس شقاوت بر تن اهل دوزخ  
محقق می گردد.

بهشتی که مملو از نعمات بی مثال به شمول نه‌رهای پنج گانه ی شیر، عسل،  
شراب، شیر و آب همراه با باغ ها و کاخ های زیبا و وسایل راحتی و تجملی برای  
موحدین پرهیزکار است و بر خلاف در نقطه ی مقابل دوزخ برای گمراهان اهل  
شقاوت و نادارستی ها که منشأ گرفته از خشم خداوند برای کافران و مشرکان و  
بدکاران عالم انسانی می باشد.

پاداش درست به میل بهتر بگزین در مرتبه ی مقربان شو به یقین  
دنیای دنی بنه که بر باد شوی در جاده ی طاعتش بسا سر به زمین

طی سال ها زحمت که به مرحله ی پایانی این نوشتار نزدیک شده ایم بر همه  
مطالعه ی این آثار ارزنده ی قوی جهت دهنده را توصیه می نمایم؛ زیرا این بحر  
پر تلاطم سخن مملو از گوهرهای معارف قرآنی و روایی و دیدگاه های بسیار  
مطلوب در جهت شناخت درست حقایق ناب معنوی مورد رضای خداوند  
است.

بر تمام جویندگان مسیر حق تأکید به دست آوردن تفسیر شریف فروغی می شود

که به سعی و اهتمام این حقیر ترتیب و تنظیم گشته؛ زیرا در ترجمه و تفسیر آن شرح و بسط لازم در جهت عام فهم شدن مطالب به عمل آمده و سعی بر آن شده تا اراده‌ی الهی به شکل روشن در تمام آیات شریفه‌ی قرآن کریم منعکس گردد که هر کسی بتواند منظور را جدا از گنگی و مجهولی دریابد و هر آیه‌ی شریفه با یک الی دو رباعی در رابطه به مطلب همراهی شده است. از خداوند حکیم می‌طلبیم سعی و اعمال مان را خالص گرداند، همه را به راه راست رستگاری هدایت فرماید و ما را در قیامت مشمول شفاعت محمد و آل محمد علیهم‌السلام قرار بدهد. آمین یا رب العالمین.

در پیشگاه حکیم پر لطف خیر      صد بار گنه بدوش و هستیم اسیر  
امید که بگذرد ز بد کرده‌ی ما      بخشد به کرم که جمله ماییم فقیر

امان الله فروغی